

## گفت و گوی صبا با عوامل نمایش گوشتخوار

بهای باز شدن  
چشمان کاملاً بسته

عادل عزیزنژاد:

به تاثیر قصه‌های عامیانه کودکانی آگاه نیستیم

ایده اولیه اثر چگونه شکل گرفته است؟

معمولاً ایده‌ها به نسبت انسان‌ها و زیست‌های متفاوت‌شان بسیار گسترده است. اما ایده نمایش گوشت‌خوار حدود ۳ سال پیش در یک تجربه و کنکاش ذهنی من شکل گرفت از قصه‌های عامیانه‌ای که در کنارمان در جریان است ولی عمق تفکر و غور کردن در این قصه‌ها میان انسان‌ها از بین رفته، قصه‌های عامیانه‌ای که پر از مفهوم و محتواست. اینها بخشی از دلایل شکل‌گیری ایده اولیه نمایش گوشتخوار بود.

آیا اثر خاصی به صورت مستقیم روی شکل‌گیری این داستان تاثیر داشته است؟

من همیشه در رابطه با نمایش گوشتخوار اینطور فکر می‌کردم که قصه یک خطی که اتفاق می‌افتد قصه‌ای است که شاید در کودکی مان بسیار شنیده‌ایم اما از عمق و اثرش در ناخودآگاه مان آگاه نیستیم. همان آغاز همیشگی قصه‌ها که یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچکس نبود و یک رویاپردازی که در ذهن ما اتفاق می‌افتد. بسیاری از انسان‌ها شاید در زمان زیست‌شان به عمق قصه‌های کودکی‌شان فکر نکنند به اینکه می‌تواند چه کانال‌های متفاوتی را در ذهن و ناخودآگاه‌شان ایجاد کند اما اینکه بخواهم بگویم اثر خاصی یا برش خاصی از جایی است نه این اتفاق نبوده است.

از پروسه شکل‌گیری ایده کارگردانی بگوئید.

معمولاً زمانی که می‌خواهم ایده‌ای را به متن تبدیل کنم چندین بار با خودم چک می‌کنم که ببینم در زمانی که قرار است اثر نوشته، اجرا و یا خوانده شود چقدر به لحاظ جامعه‌شناسی و موضوع روز می‌تواند روی مخاطب تاثیر گذار باشد و احساس کردم که این ایده در حال حاضر در این جغرافیا و زمان بهترین کیفیت و تاثیر گذاری‌اش را روی مخاطب خواهد داشت بعد قصه را نوشتم و جالب است که من هر زمان که اثری رو می‌نویسم آن را هم برای مخاطب خاص و هم برای مخاطب آن می‌خوانم تا ببینم در یافت‌های شان با دریافت‌های ذهن من یکی هست یا نه یعنی آن المان‌ها و مؤلفه‌هایی که من در نوشتار استفاده کرده‌ام آیا برای مخاطب قابل درک و فهم بوده است یا خیر و به این نتیجه رسیدم که هدف‌هایی که پشت متن داشتم کاملاً قابل درک است و الان بهترین زمان مناسب برای ارائه آن است. من متن‌هایم را تا روز اجرا به شدت دچار تغییرات می‌کنم با ورود بازیگرها و در طول تمرینات متن روتوش می‌شود. به لحاظ کارگردانی هم فکر می‌کنم جهان به سمت مینیمالیسم می‌رود و من هم در بحث کارگردانیم هر آنچه که به آن نیاز نداشتم و قرار بود اثر من را به نوعی پنهان کند از میان برداشتم. یعنی یک فضایی را به لحاظ کارگردانی و به عنوان کانسپت استفاده کردم که این فضا بتواند فرم را القا و محتوا را هم به نحو احسن ارائه کند. من به شدت به همسانی فرم و محتوا اعتقاد دارم شاید بالاتس کردن آن مقداری سخت باشد اما به نظرم دستاورد خوبی برای گروه در بحث کارگردانی و محتوای اثر است. در بحث کارگردانی نمایش گوشتخوار هم به سمت فضای مینیمالیستی رفتم در جهانی کاملاً سورئال و فانتزی بارگه‌هایی از گروتسک پیش رفتم، جهانی که در فرم این اتفاق برایش می‌افتد و در محتوا هم قصه‌ای داریم که با تکرارهایش یک فضای ابزورد و بیهودگی زندگی را در ذهن تماشاگر ایجاد میکند.

تئاتر برای شما چگونه آغاز شد؟

از ابتدا به تئاتر علاقه داشتم و حس می‌کردم ارتباطی که بین جهان من و مخاطبم اتفاق می‌افتد یک کاتارسیس و

نمایش گوشتخوار به نویسنده‌گی و کارگردانی عادل عزیزنژاد این روزها در سالن شماره سه شهرزاد با علاقه‌مندان به هنر تئاتر دیدار می‌کند. این نمایش شرکت در جشنواره‌های خارجی را در برنامه‌های آتی خود دارد و گروه بازیگرانش را عمدتاً بازیگران جوان تشکیل می‌دهند. خبرنگار صبا گفت و گویی با عوامل این نمایش داشته که ادامه می‌خوانید.

مریم عظیمی  
گفت و گو

فرمی فضای سختی بود. برای من بسیار مهم بود که بازیگری که بر سر این کار می‌آید و عواملی که در این کار حضور دارند جهان ذهنیشان با جهان گوشتخوار یکی باشد. از آنجایی که بازیگرها باید با چشمان بسته تمرین می‌کردند و از نظر بدنی هم روی نوک پنجه‌های پا می‌ایستادند تمرینات بسیار طولانی و سختی را داشتیم. بازیگران زیادی به تمرینات نمایش گوشتخوار آمدند ولی با هر کدام به خاطر سختی کار و دلایل دیگر نتوانستیم سعادت همکاری داشته باشیم. بازیگرانی که امروز روی صحنه هستند فوق‌العاده تلاش کردند و با تمریناتی که در راستای نزدیک شدن فضای ذهنی آنها به جهان اثر طراحی شده بود آنها را وارد فضا و جهان اثر کردم.

سخن پایانی

دوست دارم در این فرصت از زحماتی که بازیگران و عوامل این کار کشیده‌اند به لحاظ سختی کار بسیار تشکر کنم.

بالایش درونی برای من دارد که شاید هیچ هنر دیگری در دنیا این حال خوب را برای من در پی نداشته باشد. در دانشگاه هم تئاتر خواندم، دوره مدرسه در بخش تئاتر مدرسه فعال بودم و رفته رفته تئاتر برایم مهم‌تر شد. قبل از گوشتخوار نمایشی به نام چرک داشتم که نمایشنامه آن توسط نشر روزگار چاپ شده و یک فعالیت بیرون مرزی داشتم و نمایشی از من به نام گیس بریده در کلن آلمان اجرا رفت که اجرای مجددش را در کشورهای دیگر پیگیری هستیم و بعد نمایش گوشتخوار آغاز شد و در یک پروسه طولانی و سخت تمرین اثر را به صورتی که شما روی صحنه دیدید در آمد. من در زمینه که بازیگری هم فعالیت دارم و قبل از گوشتخوار در نمایش این آب آشامیدنی نیست ایفای نقش داشتم.

در زمینه پروسه تمرین گوشتخوار بگوئید.

فضایی که قرار بود نمایش گوشتخوار را کارکنم به لحاظ

